

نفوذ تئاتر اروپا در آمریکا

اختصاص یافته.

این بانوی هنرمند در ۷۷ سال قبل - موقعیکه هنوز پیش از ۳۲ سال از عمرش نمیگذشت - اولین نمایش خود (Phèdre) را در نیویورک اجرا نمود.

توجه و استقبال مردم از این نمایش موجب شد که سارا برنارد بین سالهای ۱۸۸۰-۱۹۱۷ یعنی در مدت ۲۷ سال ۹ بار بکشورهای متحده آمریکا مسافرت کند و در نمایشنامه‌هایی نظیر «سیرانو دو برزراک» و «اگلوند» با همکاری نویسنده و هنرمند شایسته «ادموند روستاند» شرکت نماید.

بی سبب نیست که دیانام بزرگترین هنرپیشه (زن) راه در خلال نیم قرن، سارا برنارد داده است.

پیش از آنکه نویسنده گامی بزرگ، نظیر «اوجین اونیل» با بررسی فعالیت تئاتر آمریکا بگذارد و در خیابان «برادوی» و معله «گریجویج و بلاژ» سالنهای متعدد تئاتر ساخته شود هنر نمایش در امریکا تقلید و اقتباس صرف از نمایشهای فرانسه و انگلستان بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجموعه علوم انسانی

اوجین اونیل درام نویس معروف آمریکاست در سال ۱۹۳۶ با همسرش کارول
ورث ادی نوبل نائل گشت (۱۹۵۴ - ۱۷۸۸)

راه صحیح تئاتر را ابتدا اروپای هنری اروپا که اغلب از کشورهای مختلف با امریکا برتنند و برنامه‌هایی اجرا میکردند مردم آن دیار نشان دادند.

فوت هنرپیشگی و میزانشن را سارا برناردها - فردریک مارچها - استانیسلاوسسکی ها با امریکاییان آموختند.

شکسپیر - مولیر - چخوف - ایسن و آنویل، برسیه آثار خودشان، تئاتر نویسی را بنویسنده گان آمریکایی یاد دادند.

موقعیکه صفحات تاریخ حیات هنرپیشگانی بزرگ چون (سارا برنارد) هنرپیشه بزرگ و تقلید فرانسوی داووق میزنیم ملاحظه میشود که چندین صفحه از آن بشرح مسافرت و برنامه هاییکه با شرکت آنها در تمام امریکا اجرا شده است



سارا برنارد - در نمایشنامه (فدر) - (فدر) - (فدر)

سازا همچنان زن هنرمندی است که در «عاملت» بازی می کند و کمتر مردی در عصر او توانسته است از نیت قدرت و حرکت ، این نقش را ، مانند او بازی کند .
 نام (لاتوسکا) و (لادام او کالمیا) را دسارا برنارد در سرزمین آمریکا بر سر زبانها انداخت .
 اهمیت و شهرت او در نیمی آخر قرن نوزدهم در آمریکا کمتر از شهرتی نبود که در کشور فرانسه و تمام اروپا کسب کرده بود .

صدای گفزدنها و هوراها ی مردم نیویورک و واشنگتن ، حتی سربازان و افسران در اردوگاه های نظامی اکثر ممالک متحده آمریکا که از نمایشهای سیار این هنرمند شایسته بهره می بردند ، چه در زیر سقف سالنهای نمایش و چه در زیر آسمان پرستاره اردوها ، مکرر بلند میشد :

منقین آمریکا ، باو (اله تئاتر) لقب داده بودند و اکثر دو تریپتامی که در باره هنر تمامی های او مینوشتند وی را بهین نام میخواندند .

تکرار این نمایشها در آن قاره بهین آورد باعث شد که مردم یعنی تئاتر اروپائی بی بیرند .
 بتدریج پای گروههای دیگر بآنجا باز شد .

موقبعباستانسلاوسکی ، اتفاق (مسکونین) وسایر هنر-



دسارا

نورس ویر در نقی (ماکت) اثر تسمپیر (نیویورک سال ۱۸۶۷-۶۸)

پیشگان تئاتر (هنر) مسکو بنا بدعوت مردم هنردوست آمریکا بآن کشور رفت و چند اثر از نویسندگان بزرگ روس در آنجا بعرض نمایش گذاشت چند نفر از هنرپروهان که تازه با آثار (ایسن) و مکتبدر آلبسم آشنا شده بودند ، طرز کار وی را بستند و از وی خواستند کتابی در باره روش کار خود بنویسد «زندگی من در هنر» را استانیسلاوسکی در این سفر به خاطر آشنا ساختن آمریکائی ها با اصول صحیح تئاتر نگاهت منتشر ساخت .

هنوز استادان (درام) در مدارس هنریشگی آمریکا از تجربیات و دستورهای این آموزگار بزرگ ، برای آموزش هنرجویان تئاتر ، استفاده میبرند و در طریقی که این استاد و (ایسن) نروزی بآنها ارائه نموده است پیش میروند .

آغاز فعالیت هنری در آمریکا

استفاده از وسائل ماشینی صحنه های اروپا ، زودتر از هنریشگی بآنجا نفوذ کرد ؛
 (ماک کی) نمایشنامه نویس ، دکورساز ، تهیه کننده و مهندس آمریکائی در اوایل قرن بیستم تئاتر بزرگی ساخت و ماشینهای عطسی در صحنه آن بکار برد و در این راه کارمبافه در استفاده از وسائل ماشینی رایجائی رساند که وسیله پرواز هنریشه ها را با آسان در نمایشنامه (بهشت) و بازگشتشان بزمین را بخوبی فراهم نمود .

مفادن همین زمان «ملودرام» را مودرادر تئاتر آمریکا کشود و پیشرفت بتدریج ناتورالیسم و رئالیسم محیط داتره تئاتر (ماک کی) و سبک ماشینی وفانتزی او را باندازه ای تنک نمود که طرز عمل او سبکی از رونق افتاد و آنهمه جاه و جلال فیر نیاید .



فر دریک مارچ و فلورانس التریج (عصر او) در صحنه ای از نمایش «دشمن مردم» اثر (ایسن) .

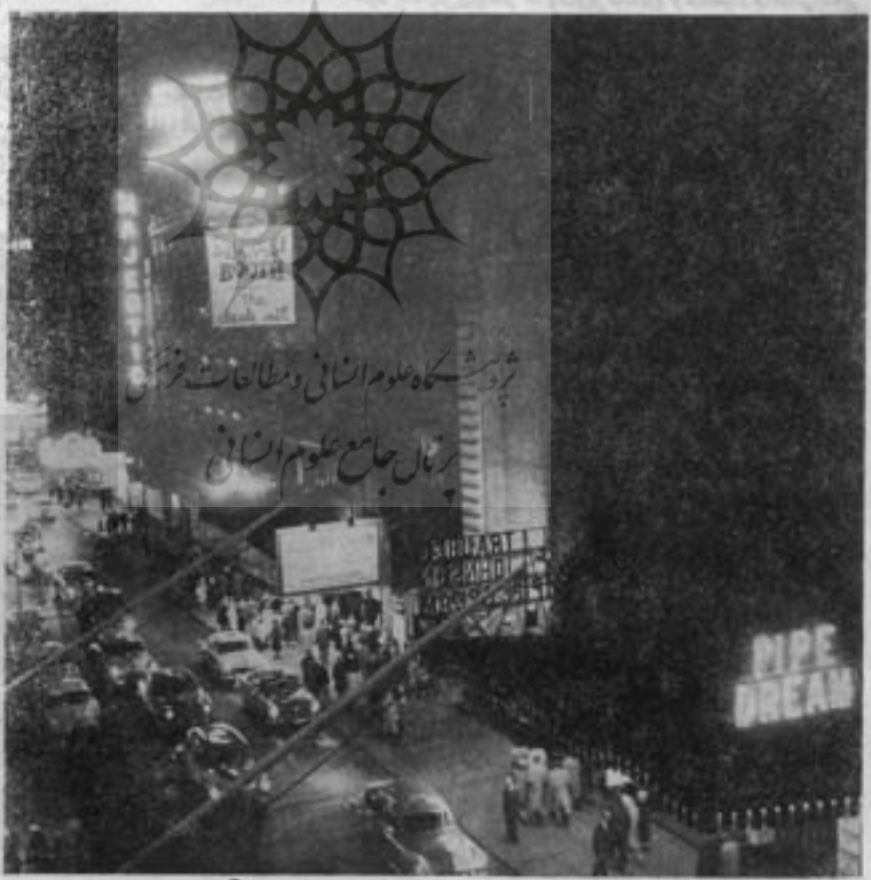
برسی) فرزند (مک کی) از اشتباهات و تندروییهای پدر عبرت گرفت و شروع به تهیه نمایشنامه‌های منظوم و نسبیاً با ارزش نمود که یکی از آنها منظومه‌ای بنام (مترسک) بود. این بیس در آن موقع جلب توجه بسیار نمود. بالنتجه، انفاذ این طریقه صحیح که نقش شخصتها در نمایش جانشین زیوروزینت و «تروکاز» شود موجب استقبال تماشاچی آمریکائی و بالارفتن سطح سلیقه و اطلاع آنان شد.

«برسی مک کی» پاسخ تشویق و توجه مردم را با تهیه آثار منظوم دیگری داد و همه آنها با ارزش و جذاب جلوه کرد. این پدر و پسر را آمریکائیا «ناقل» حکم می‌دهیم - زمانیکه و در آیدم می‌خوانند.

بتدریج هنرمندان بزرگ آمریکائی نظیر (اورسن ولز) و (مورس اولس) و بانو (جو دیت اندرسن) در صحنه‌های تئاتر آمریکا ظاهر شدند و شهرت جهانی یافتند. شش سال پیش موقعیکه «اورسن ولز» بیاریس آمده



مورس اولس (او جو دیت اندرسن) در نمایشنامه مامکت (نیو یورک - ۴۳ - ۱۹۴۱) بود، من شخصا از او ابتکاری دیدم که در نوع خود کم نظیر و بی سابقه بود. این آرتیست در (اتلوی) را با صورت سفید خود، بی آنکه چهره را برنگ تیره - سیالاید، بازی کرد و الکتس نقش (دزد مونا) را که حقا بسیار بوسیله یک زن سفید پوست انجام شود، بیش از حد سیاه پوست و انگار نمود که با همان سیاهی تپه‌های رنگ خود! روی صحنه تئاتر پاريس ظاهر شد! اورسن ولز می‌خواست ثابت کند قدرت بازی او آنچنان تماشاچی را تحت تاثیر می‌گذارد که تغییر رنگ دو قطره - زمان بزرگ شکیبیر که سالها مردم



عکس بالا خیابان (۴۳م) را که در مغرب (برادوی) قرار دارد و محل تیرگرتازهای بزرگ می‌باشد نشان می‌دهد که در ۲۱ تانزورک و معروف در اطراف خیابان (برادوی) ساخته شده که هر اربان هنرمند و هنرمند در آن همه آب بهتر نمائی اشغال دارند

پاریس آنها را برنگی دگر دیده بودند نمیتواند کوچکترین
لعنه ای باصل داستان بز ندوزده ای از نفوذ و تاثیر آن نگاهه
و باید گفت که تادمی هم درین راه توفیق بدست آورد .

کسانیکه (انللو) و (ماکیت) اوردن و از رادیده اند
اورا در نقش دومی بهتر از اولی میسندند و شاهکار بازیهای
اورا (ماکیت) میداند .

(موریس اونس) رقیب آمریکایی (اوردن وار) نیز نظر
نمایشیان بسیاری را (در نقش ماکیت) بطرف خود جلب
نمود، تا آنجا که ۱۳۱ شب متوالی این بیس را به همراهی بانو
(جودیت آندرسن) در نیویورک اجراء کرد و روز بروز بر تعداد
نمایش کنندگان آن افزوده میشد .

این آرتیست ، نقش اکثر قهرمانهای درام (شکسپیر)
را بافا نموده و در این قسمت شهرت یافته است .

در حال حاضر نظیر این هنرمندان در آمریکا بسیارند و
خیابان معروف (برادوی) باسالتهای متعدد نمایش همه شب
میلوا هزاران علاقمند بهتر تئاتر آمریکایی است .



ریشم مخصوص آمریکا

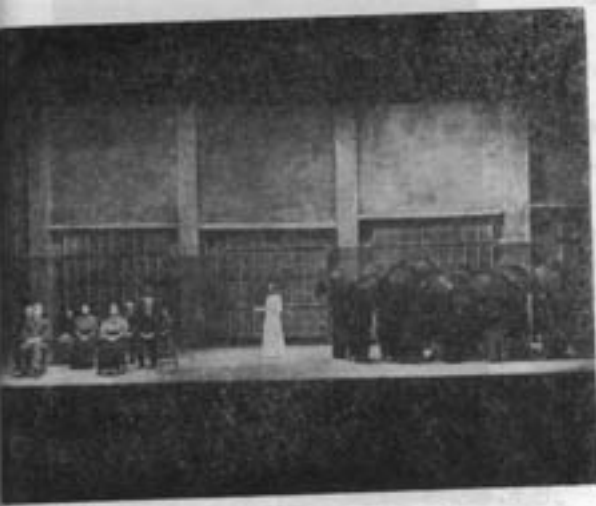
وضع اجتماعی در کشورهای متحده آمریکا ، نسبت به سایر
کشورهای دیگر دنیا ، از بسیاری جهات ، متفاوت است و
همین تفاوت ، شاخص (ریشم) مخصوصی است که از زندگی ماشینی
ملت آمریکا سرچشمه گرفته است .

حرکت تند مردم در گذر گامها - تهیه وسائل غذا و
زندگی با وسائل الکتریکی و سریع - سرعت در حرکت -
رفتن ، آداب و اخلاق فرد آمریکایی ، بطور کلی ایجاد (ریشم)
مخصوص نموده است که در اکثر آثار قلمی و هنری نویسندگان
و هنرمندان آمریکا به خوبی منعکس است .

(کلابه فیچ) که از مشهورترین نمایشنامه نویسهای



یک صحنه از نمایش یک لیک



صحنه ای از (شهرما) - نیویورک - سال ۱۹۲۸

اوایل قرن بیستم تئاتر نیویورک است بیشتر از سایر همکاران
خود بنمایش و تجسم حالات (پرستاز) و شخصتهای آمریکایی
پرداخته است .

آنا اودر نمایشی تولید هیجان و نگرانی میکند و این
همان حال و خاصیتی است که بکنفر آمریکایی آنرا می شناسد ،
با آن مانوس است و میسندد .

نهادتی نیست که هنریشگان سینما و تئاتر و نویسندگان
آمریکا برای ایجاد صحنه های موهج جنائی و پلیسی بیشتر از
سایر ملتها توفیق یافته اند .

نمایشنامه (بیک نیک) نمونه ای است از (ریشم) تند و در
همین حال طبیعی آمریکا در این نمایش افراد آمریکایی ، زندگی
خود را منعکس شده میبینند .

این نمایشنامه در سال ۱۹۵۳ جایزه بزرگ (پولیتزر)
(Pulitzer) را گرفت و مقصدین تئاتر نیویورک نیز جایزه
(سیرکل) (Circle) را بآن دادند .

جایزه (پولیتزر) تنها نصب اثر (ویلما اینک) نمیشود ،
(تورنتون ویلدر) (Thornton Wilder) نویسنده (شهرما)
نیز ازین جایزه بی نصیب نماند .

آقای (ویلسن) استاد کالج نیویورک که سال گذشته
با نویسنده ، در کلاس هنری اداره کل هنرهای زیبای کشور ،
همکاری داشت نمایشنامه (بیک نیک) را بوسیله تروپ آمریکایی
(بزبان انگلیسی) و (شهرما) را توسط هنریشگان (تئاتر
تهران) بزبان فارسی ، بر روی صحنه آورد و ما با دیدن این دو
نمایش بطرف تفسیر و عمل و (ریشم) مخصوص مردم آمریکا
بهتر آشنا شدیم .

دو باره نفوذ دانشگاه و فرهنگ دوتئاتر امریکاهمطابق این
دارم که اگر توفیق یافتم دو شماره آینده ...